

# فرهنگ بیمه؛ سرمایه‌گذاری بلندمدت برای آینده

فرهنگ بیمه هنوز در جامعه نهادینه نشده و آموزش مؤثر، تبلیغات ه‌د‌ف‌م‌ن‌د و تجربه مثبت عملی می‌تواند شکاف بین امروز و آینده را درک نیروی کار پر کند



توسعه پایدار، پیش از آنکه در شاخص‌های رشد اقتصادی سنجیده شود، در میزان امنیت اجتماعی نیروی کار معنا پیدا می‌کند. جامعه‌ای که شهروندانش نسبت به فردای خویش اطمینان دارند، توان برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و عبور از بحران را نیز خواهد داشت. در ایران، با وجود آنکه بخش قابل توجهی از جمعیت زیر پوشش بیمه‌های اجتماعی قرار دارند، همچنان میلیون‌ها نفر از شاغلان در حاشیه اقتصاد رسمی و بیرون از سازوکارهای حمایتی فعالیت می‌کنند. برآوردها نشان می‌دهد بخش معناداری از نیروی کار کشور در قالب اشتغال غیررسمی مشغول است و بخشی از آنان از پوشش بیمه اجتماعی برخوردار نیستند؛ وضعیتی که آینده معیشتی، درمانی و بازتشنسنگی آنان را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد. با این حال، مسئله صرفاً نبود سازوکار قانونی یا ضعف اجرایی نیست. در پس این فاصله‌آماری، شکافی فرهنگی نهفته است: نوعی تعلیق میان نیاز امروز و امنیت فردا، میان دریافت نقدی دستمزد و سرمایه‌گذاری بر آینده. پرسش اصلی اینجاست که چرا برای بخشی از نیروی کار، بیمه اجتماعی هنوز به یک ضرورت ذهنی و باور عمومی تبدیل نشده است و چگونه می‌توان این نسبت فرهنگی با آینده را بازتعریف کرد.

## از باور غلط تا خلاء آموزش

فرهنگ بیمه در ایران هنوز به سطح یک باور نهادینه اجتماعی نرسیده است. در ذهن بخش گسترده‌ای از شاغلان، به‌ویژه در حوزه اشتغال غیررسمی، حق بیمه نه یک سرمایه‌گذاری برای آینده بلکه هزینه‌ای اضافی و کاهش دهنده درآمد روزانه تلقی می‌شود. این برداشت، نه نتیجه فقدان قانون بلکه محصول عوامل درهم تنیده فرهنگی و ساختاری است: ضعف اعتماد به نهادهای بیمه‌ای، افق دید کوتاه‌مدت، کمبود آموزش مؤثر، نبود باور به امنیت آینده از طریق بیمه و فقدان گفتمان عمیق و مستمر فرهنگی در این حوزه.

بی‌اعتمادی به سازوکارهای بیمه‌ای، اگرچه پراکنده، اما اثرگذار است. تجربه‌های منفی برخی افراد، از پیچیدگی‌های اداری گرفته تا تأخیر در ارائه خدمات، ذهنیت عمومی را تحت تأثیر قرار داده است. در حالی که منطق بیمه اجتماعی، به‌ویژه در سازمانی گسترده و ملی مانند سازمان تأمین اجتماعی، بر همبستگی اجتماعی

و توزیع ریسک در طول زمان استوار است و مزایای آن در افق بلندمدت قابل درک و ملموس است. تمرکز بیش از حد بر تأمین معیشت روزمره، به‌ویژه در دهک‌های کم‌درآمد، فرصت آینده‌نگری و توجه به بازتشنسنگی، بیماری یا حوادث پرهزینه را از بین می‌برد. این مسئله سبب شده است که بیمه اجتماعی در ذهن بسیاری، مفهومی انتزاعی و دور از واقعیت تلقی شود. علی‌حیدری، کارشناس حوزه کار و بیمه‌های اجتماعی در گفت‌وگو با آتی‌نو، با استناد به اصل ۲۹ قانون اساسی، تأکید می‌کند که برخورداری از بیمه‌های اجتماعی، حقی همگانی و تکلیفی عمومی است. او می‌گوید تحقق بیمه اجباری، پیش از ابزارهای قانونی و نظارتی، نیازمند ایجاد بستر فرهنگی و آگاهی عمومی است تا بیمه نه به‌عنوان الزام اداری، بلکه به‌عنوان انتخابی آگاهانه و ضرورتی برای تضمین امنیت و کرامت نیروی کار پذیرفته شود. به باور کارشناسان، تنها از طریق تقویت آموزش بیمه‌ای، روایت‌سازی فرهنگی و ارائه تجربه‌های عملی مثبت، می‌توان شکاف میان واقعیت‌های پرریسک آینده و ادراک امروز را پر کرد و پوشش بیمه‌ای فراگیر را تحقق بخشید. این فرایند، تضمینی برای امنیت اقتصادی و اجتماعی نسل‌های حاضر و آینده خواهد بود.

## جغرافیای اشتغال غیررسمی

اقتصاد غیررسمی، گستره‌ای است که بخش قابل توجهی از شاغلان کشور در آن فعالیت دارند و عمدتاً از دسترس سازوکارهای بیمه‌ای و حمایتی رسمی خارج‌اند. این بخش شامل مشاغلی است که خارج از چارچوب‌های قانونی، مانند مالیات، بیمه و حمایت‌های کارگری، فعالیت می‌کنند و می‌توان نیروی کار آن را به سه گروه «غیررسمی سنتی، بخش رسمی با کارگران غیررسمی و کسب‌وکارهای نوظهور دیجیتال» تقسیم کرد. در گروه «غیررسمی سنتی»، مشاغلی در حاشیه شهرها و مناطق روستایی دیده می‌شوند؛ از دستفروشان و دوره‌گردان گرفته تا کارگران ساختمانی فصلی، کشاورزان، دامداران سنتی، خیاطی‌ها و کارگاه‌های کوچک زیر ۱۰ نفر. بسیاری از این افراد فاقد پوشش بیمه‌ای هستند و محدودیت‌های نظارتی، به‌ویژه برای کارگران خانگی و دستفروشان، حضور بیمه را دشوار کرده است.

## فرهنگ بیمه؛ سرمایه‌گذاری هوشمند

علیرضا حیدری، کارشناس حوزه بیمه‌های اجتماعی بر اهمیت فرهنگ بیمه‌ای تأکید دارد و می‌گوید، آشنایی افراد با مزایای بیمه اجتماعی و تجربه ملموس حمایت‌های آن، عامل کلیدی در تغییر رفتار بیمه‌ای است. سرمایه‌گذاری در آموزش و فرهنگ‌سازی، تضمین‌کننده پایداری صندوق‌های بازتشنسنگی و کاهش آسیب‌های ناشی از فقدان پوشش بیمه‌ای خواهد بود.

فرهنگ بیمه، حلقه اتصال امنیت شغلی، رفاه اجتماعی و ثبات اقتصادی است. بدون ارتقاء این فرهنگ، تلاش‌های قانونی و مالی برای افزایش پوشش بیمه‌ای ناقص خواهد بود. ایجاد اعتماد، شفافیت و تجربه مثبت افراد از خدمات بیمه، مسیر اصلی جذب شهروندان به نظام تأمین اجتماعی را هموار می‌سازد و به تدریج بیمه‌گرایی و آسیب‌های ناشی از آن را کاهش می‌دهد.

باعث می‌شود بسیاری بیمه را هزینه‌ای اضافی و فاقد منفعت فوری بدانند، غافل از اینکه این پوشش، مزایای گسترده‌ای برای نیروی کار فراهم می‌آورد و ریسک‌های ناشی از حوادث و دعاوی کارگری را کاهش می‌دهد.

ضعف نظارت‌ها و بازرسی‌های مستمر، فرصتی برای تخلف کارفرمایان و تقویت فرهنگ فرار بیمه‌ای ایجاد کرده است. این چرخه، هم بیمه‌پردازی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم باور به اهمیت بیمه را در میان نیروی کار تضعیف می‌کند. در این شرایط، فرهنگ بیمه و آگاهی قانونی، نقش کلیدی در بازگرداندن اعتماد و انگیزه به سیستم دارد و می‌تواند به تدریج پوشش اجتماعی را گسترش دهد، به‌ویژه در میان شاغلان غیررسمی که بیشترین آسیب را از فقدان بیمه می‌بینند.

## چالش‌های نیروی کار

در بخش گسترده‌ای از اشتغال غیررسمی، نیروی کار با محدودیت‌های اقتصادی و فرهنگی مواجه است که تمایل به بیمه‌پردازی را کاهش می‌دهد. به گفته علی حیدری، بسیاری از کارگران این حوزه، برای حفظ شغل و مقابله با رقابت شدید بازار، حاضرند از حقوق قانونی خود چشم‌پوشی کنند و گاهی حتی رضایت‌نامه کتبی برای عدم بیمه ارائه می‌دهند. فشار معیشتی، نرخ بالای بیکاری و درآمدهای پایین، این بی‌میلی را تشدید می‌کند و مانع نگاه بلندمدت و آینده‌نگرانه نسبت به امنیت شغلی و بازتشنسنگی می‌شود.

در شرایطی که دستمزد بسیاری از کارگران در سطح حداقل حقوق تعریف می‌شود، سهم ۷ درصدی حق بیمه، انگیزه آنان برای پیگیری پوشش اجتماعی را کاهش می‌دهد و دریافت نقدی همان مبلغ ناچیز اولویت می‌یابد. به این ترتیب، تمرکز بر نیازهای روزمره و تأمین معیشت حال، باعث غفلت از آینده و ارزش‌های بلندمدت بیمه می‌شود.

حیدری همچنین اشاره می‌کند که عدم آشنایی با مزایای بیمه و خلأ آموزش در سطح جامعه، نارضایتی و بی‌اعتمادی را افزایش می‌دهد. بسیاری از شاغلان تصور می‌کنند منابع محدود درآمدی آنها نباید به بیمه اختصاص یابد، غافل از آنکه پوشش بیمه، سرمایه‌گذاری واقعی برای آینده و ابزاری برای کاهش ریسک‌های اقتصادی و درمانی است. به همین دلیل، فرهنگ بیمه، همراه با آموزش و اطلاع‌رسانی مؤثر، نقش حیاتی در تغییر رفتار نیروی کار دارد. افزایش آگاهی، ارائه سازوکارهای تشریفاتی و ترویج اعتماد به صندوق‌های بیمه‌ای، می‌تواند حلقه گمشده این سیستم را پر کند و مسیر نیروی کار را به سوی امنیت شغلی و رفاه اجتماعی هموار سازد. تقویت این فرهنگ، نه تنها امنیت فردی، بلکه پایداری اقتصادی و اجتماعی جامعه را تضمین خواهد کرد.

## امنیت بیمه‌ای؛ ضرورت فوری

اشتغال غیررسمی و فقدان آینده‌نگری بیمه‌ای، دو پدیده‌ای هستند که یکدیگر را تقویت کرده و نیروی کار را در چرخه‌ای معیوب از فقر و ناامنی معیشتی گرفتار می‌کنند. نبود پوشش بیمه‌ای، ناپایداری درآمد و فقدان حمایت‌های اجتماعی، برنامه‌ریزی بلندمدت را برای شاغلان غیررسمی دشوار می‌سازد و آنان را در مواجهه با بحران‌های شغلی، بیماری یا بازآفرینده‌گی آسیب‌پذیر می‌کند. در این چارچوب، مسئولیت احقاق حقوق بیمه‌ای بر دوش کارفرمایان و نظام نظارتی است؛ اما ضعف بازرسی‌ها و پیچیدگی فرآیندهای اداری، دسترسی به این حقوق را با چالش مواجه می‌کند. بسیاری از کارگران، حتی با وجود حق قانونی، برای حفظ شغل یا دریافت نقدی دستمزد، از بیمه‌پردازی چشم‌پوشی می‌کنند. علیرضا حیدری، کارشناس حوزه بیمه‌های اجتماعی، بر این باور است که سازوکارهای تخفیفی و حمایتی می‌توانند انگیزه بیمه‌پردازی را در نیروی کار بدون پوشش افزایش دهند. وی پیشنهاد می‌کند دولت با حمایت از پرداخت بخشی از حق بیمه، شرایط را تسهیل کند و صندوق‌های بازتشنسنگی را فراهم سازد. به گفته حیدری، در شرایط کنونی، بیمه اجباری کوتاه‌مدت و هم‌زمان آشنایی افراد با فرهنگ بیمه‌ای، می‌تواند کلید ورود آنان به سیستم تأمین اجتماعی و تضمین آینده اقتصادی باشد. اجرای راهکارهای ترکیبی از فرهنگ‌سازی هدفمند، آموزش مؤثر، تشدید نظارت و حمایت مالی دولت، می‌تواند چرخه معیوب اشتغال غیررسمی و بیمه‌گرایی را بشکند. در غیر این صورت، میلیون‌ها شاغل بدون پوشش بیمه‌ای، آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای را متوجه بازار کار، نیروی کار و رفاه عمومی خواهند ساخت. این وضعیت، در نهایت بار مسئولیت را بر دوش سازمان تأمین اجتماعی، به عنوان اصلی‌ترین نهاد بیمه اجتماعی، سنگین‌تر می‌کند و ضرورت اقدام فوری را نشان می‌دهد.



حمیدرضا نائب خسروشاهی  
کارشناس بیمه‌های اجتماعی

## پیری جمعیت: تهدیدی برای صندوق‌ها

در شرایطی که کشور در آستانه بسته شدن پنجره جمعیتی جوان قرار دارد و روند سالمندی جمعیت به سرعت گسترش می‌یابد، تهدیدی جدی بر صندوق‌های بازتشنسنگی و نظام‌های بیمه‌ای حاکم شده است. تحلیل‌های کارشناسان حوزه جمعیت نشان می‌دهد که آخرین فرصت پیشگیرانه برای کاهش روند پیری جمعیت در سال‌های آتی از دست خواهد رفت و این وضعیت فشار مضاعفی بر منابع محدود صندوق‌ها وارد خواهد کرد. با افزایش تعداد مستمری‌بگیران، هزینه‌های پرداخت حقوق بازتشنسنگی و خدمات درمانی به شکل چشمگیری رشد خواهد کرد و تعادل مالی و پایداری سازمان‌های بیمه‌ای به خطر خواهد افتاد. این امر محدود به مسائل اقتصادی نیست و آثار اجتماعی و توسعه‌ای عمیقی نیز بر جامعه برجای خواهد گذاشت، زیرا صندوق‌های بیمه‌ای ستون امنیت اجتماعی و رفاه عمومی کشور به شمار می‌روند.

با وجود این تهدید، پنجره جمعیتی جوان هنوز فرصت ارزشمندی برای تقویت منابع پایدار تأمین اجتماعی فراهم می‌آورد. جذب گسترده افراد جوان در نظام بیمه‌ای، امکان افزایش بیمه‌پردازی و ارتقای شاخص‌های پشتیبانی صندوق‌ها را مهیا می‌کند و زمینه توسعه پایدار خدمات به افشار مختلف جامعه را فراهم می‌سازد. با این حال، این اقدام مستلزم برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت هوشمندانه است، زیرا افزایش تعداد بیمه‌شدگان جدید تعهدات بلندمدت صندوق‌ها را سنگین‌تر کرده و با ادامه روند پیری جمعیت، جایگزینی گروه‌های جوان بیمه‌پرداز در آینده چالشی جدی محسوب می‌شود. بنابراین هم‌زمان با جذب منابع جدید، مدیریت تعهدات بلندمدت و تضمین پایداری صندوق‌ها امری ضروری است. مطابق ماده یک قانون تأمین اجتماعی و اصل ۲۹ قانون اساسی، توسعه پوشش بیمه‌ای برای تمامی اقشار جامعه هدف‌گذاری شده و در حال حاضر حدود ۵۰ میلیون نفر، معادل ۵۶ درصد جمعیت کشور، تحت پوشش این سازمان قرار دارند. مسیرهای جذب بیمه‌شدگان چندوجهی شامل قرارداد‌های متنوع، اصلاحات پارامتریک، بیمه‌های اختیاری و بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد و همچنین تفاهم‌نامه با گروه‌های فاقد بیمه، ظرفیت منابع تأمین اجتماعی را تقویت کرده و روند کاهش ضریب پشتیبانی را متوقف می‌سازد. این اقدامات با ایجاد تعادل میان ورودی و خروجی صندوق‌ها، چشم‌انداز مناسبی برای پایداری سازمانی فراهم کرده و امکان ارائه خدمات پایدار به بیمه‌شدگان جدید و قدیمی را افزایش می‌دهد. نگاهی به گذشته نشان می‌دهد که فقدان پارامتریک، عدم تغییر در سن بازتشنسنگی و رشد بازتشنسنگی‌های سخت و زیان‌آور، سبب کاهش محسوس ضریب پشتیبانی تأمین اجتماعی شده است. روند پیری جمعیت این چالش را تشدید کرده و پرسشی جدی مطرح می‌کند: آیا امکان حفظ ضریب پشتیبانی در بلندمدت وجود دارد یا صرفاً ایجاد تعهداتی برای نسل آینده محتمل است؟ پاسخ به این پرسش نیازمند محاسبات دقیق بیمه‌ای و برنامه‌ریزی هوشمندانه است.